

بررسی و تحلیل انواع ادبی در اشعار نظامی گنجوی

پروانه صفا^۱، عنایت‌الله شریف‌پور^{۲*}، مریم جعفری^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

شهریور ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۱۸۱-۲۰۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۵۵

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: انواع ادبی یکی از نظریه‌های علوم ادبی و مشتمل بر موضوعاتی است که با ویژگی‌های فنی خاص بصورت نظم و نثر مطرح می‌شود. موضوع اصلی انواع ادبی به شیوه جدید، طبقه‌بندی آثار ادبی از نظر ماده و صورت است. بر این اساس متون ادبی در چهار دسته ادبیات حماسی، نمایشی، غنایی و تعلیمی جای گرفته‌اند. طبقه‌بندی متون ادبی به این شیوه به پیروی از نظریه داروینیسیم ابتدا از تفکر یونانی سرچشمه گرفت و توسط کسانی مانند افلاطون و ارسطو مطرح گردید. تقسیم‌بندی آثار ادبی در ادبیات کلاسیک ایران نیز بی‌سابقه نبوده‌است؛ اما آنچه در گذشته مورد توجه قرار می‌گرفت، طبقه‌بندی متون ادبی بر اساس شکل ظاهر بود. از آنجاکه با دسته‌بندی گونه‌های ادبی که در آثار شاعران پراکنده‌اند، میتوان دریچه‌ای بسوی کشف ویژگی‌های درونی یک اثر گشود، هدف این مقاله «بررسی و تحلیل گونه‌های ادبی در آثار نظامی» است. تعیین زانرهای ادبی و زیرمجموعه هر یک و همچنین تأثیرگذاری اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کاربرد آنها هدف اصلی پژوهش حاضر است.

روش مطالعه: جهت آشنایی با مبانی انواع ادبی و همچنین شرح احوال و آثار نظامی از منابع کتابخانه‌ای استفاده شد. سپس با مطالعه آثار شاعر، شواهد گونه‌های ادبی استخراج شد و پس از معرفی هریک از زانرها با استفاده از روش تحلیل متن، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: علاوه بر انواع ادبی اصلی، زیرمجموعه‌های آن نیز در آثار این شاعر با وسعت و تنوع بسیاری بکار رفته است که مهمترین آنها عبارتند از: اعتدالات، تقاضا و درخواست، ساقینامه، شکواییه، شهرآشوب، طردیات، مدح، مرثیه، معراج‌نامه، و مفاخره.

نتیجه‌گیری: اگر انواع ادبی غنایی-تعلیمی، حماسی-تعلیمی، و تعلیمی-تعلیمی را از زیرمجموعه‌های ادبیات تعلیمی بدانیم، پنج گنج نظامی را میتوان از نمونه‌های موفق نوع ادبی تعلیمی-غنایی، و تعلیمی-حماسی دانست. وجود زیرمجموعه‌های متعدد انواع ادبی در آثار نظامی نشانه وسعت دید و اندیشه او و همچنین قدرت شاعری اوست.

تاریخ دریافت: ۰۸ تیر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۹ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۰ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نظامی، انواع ادبی، شعر، اوضاع اجتماعی و سیاسی.

* نویسنده مسئول:

e.sharifpour@uk.ac.ir

۴۱۵۲۳۰۰۱ (+۹۸ ۳۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Study and analysis of literary types in Nezami Ganjavi poems

P. Safa^۱, E. Sharifpour^{۱,*}, M. Jafari^۱

^۱- Department of Persian Language and Literature. Faculty of Literature and Humanities. Sirjan Branch. Islamic Azad University, Sirjan, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature. Faculty of Literature and Humanities. Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۹ June ۲۰۲۱

Reviewed: ۳۱ July ۲۰۲۱

Revised: ۱۱ August ۲۰۲۱

Accepted: ۰۲ October ۲۰۲۱

KEYWORDS

Nezami, literary types, poetry, social and political situation.

*Corresponding Author

e.sharifpour@uk.ac.ir

(+۹۸ ۳۴) ۴۱۵۲۳۰۰۱

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Literary types are one of the theories of literary sciences and include topics that are presented in the form of prose and prose with special technical characteristics. The main subject of literary types in a new way is the classification of literary works in terms of material and form. Accordingly, literary texts are placed in four categories of epic, dramatic, lyrical and educational literature. The classification of literary texts in this way, following the theory of Darwinism, first originated in Greek thought and was proposed by the likes of Plato and Aristotle. The division of literary works in classical Iranian literature has not been unprecedented; But what was considered in the past was the classification of literary texts based on appearance. The purpose of this article is to "study and analyze literary genres in Nezami works" by classifying the literary genres that are scattered in the works of poets. The main purpose of the present study is to determine the literary genres and sub-categories of each, as well as the influence of political, social and cultural situations on their application.

METHODOLOGY: Library resources were used to get acquainted with the basics of literary types as well as descriptions of Nezami status and works. Then, by studying the works of the poet, the evidences of literary genres were extracted and after introducing each of the genres, they were examined and analyzed using the text analysis method.

FINDINGS: In addition to the main literary genres, its sub-categories have been used in the works of this poet with great breadth and variety, which are: apologies, demand and request, Saqinameh, complaints, city of chaos, rejections, praise, elegy, Me'rajname, Mofakhere.

CONCLUSION: If we consider the types of lyrical-educational literature, epic-educational-, and educational-educational literature as subsets of educational literature, five Nezami treasures can be considered as successful examples of educational-lyrical, and educational-epic literary types. The existence of numerous subsets of literary genres in Nezami works is a sign of his breadth of vision and thought, as well as his poetic power.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۴۵۰

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۲۴	 .	 .

مقدمه

انواع ادبی شعبه‌ای از نظریه‌های ادبی است که توجه به آن تحت تأثیر نظریه داروین و طبقه‌بندی آثار ادبی بر مبنای ویژگی‌های درونی و بیرونی آنها رواج یافته است. تقسیم‌بندی آثار ادبی در غرب نیز، که از طبقه‌بندی ارسطو اقتباس شده، همواره یکی از مباحث مورد توجه و علاقه ادبا و منتقدان آثار ادبی بوده است. نقد و داوری آثار ادب فارسی از این دیدگاه همواره دشوار بوده است؛ زیرا آثار منظوم فارسی از گذشته با تأثیر از ادبیات عرب از دیدگاه ظاهر، طبقه‌بندی و مورد نقد و داوری قرار می‌گرفتند. علاوه‌براین «در ایران سنت نقد و داوری به این شیوه وجود نداشته است. [به همین دلیل] برای رسیدن به مرحله نقد و داوری ناگزیریم از پذیرفتن بسیاری از راه‌ورس‌های نقد ادبی که در زبانهای دیگر رواج دارد» (انواع ادبی و شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۹۷).

شناخت انواع ادبی و بررسی و تحلیل آنها در متون ادبی کلاسیک و معاصر یکی از موضوعات مهمی است که همواره دستمایه پژوهشگران در امر تحقیق و پژوهش بوده است. یکی از فواید مطالعه آثار ادبی از این دیدگاه آن است که محققان را با زوایای گوناگون اندیشه شاعران و نویسندگان و همچنین اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جوامع در دوره‌های مختلف آشنا می‌سازد؛ زیرا روشن است که ادبیات در طول تاریخ ادبی ایران همچون آینه‌ای، بازتابی از شرایط گوناگون اجتماعی بوده است. در این راستا موضوع مقاله حاضر «بررسی و تحلیل انواع ادبی در آثار نظامی گنجوی» است. ذکر این نکته یادکردنی است که مطالعه آثار شاعر با این رویکرد، بیانگر آن است که در آثار این سخنور حکیم، انواع زیرمجموعه‌های ادب حماسی، غنایی و تعلیمی از جمله مفاخره، مدح، مرثیه، شکواییه، شهرآشوب، معراجنامه و ساقینامه بچشم می‌خورد. با بررسی هریک از گونه‌های ادبی در آثار این شاعر بزرگ میتوان به نبوغ و قدرت شاعری این حکیم در بکارگیری انواع ادبی و وسعت فکر و عمق اندیشه وی در امر شاعری پی برد.

سابقه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره نوع ادبی، تعاریف و پیشینه آن انجام شده است. یکی از متأخرترین آنها مقاله «پیشینه تاریخی و تحلیلی بحث درباره انواع ادبی تا پایان قرن هفتم» از ترکی، فرحی یزدی، و هادی (۱۳۹۸) است. نویسندگان این مقاله معتقدند امروزه انواع ادبی، دیگر مطلق و ثابت تلقی نمی‌شوند، بلکه تحت تأثیر تحول و تکامل تاریخی، نظامهای نوعی در ادبیات، جامعه‌شناسی انواع، و رابطه انواع ادبی با جنسیت مورد بحث قرار می‌گیرند. بنابراین در عصر حاضر ویژگی‌های نوعی آثار ادبی بعنوان پدیده‌های تاریخی و نسبی تلقی می‌شوند. همچنین حیدری (۱۳۹۴) در مقاله «ارزیابی نظریه انواع ادبی فارسی: کلید نگارش تاریخ ادبیاتی نوین» معتقد است بنیان نحیف نظریه‌پردازی در ایران، آشفتگی‌های فراوانی را در پژوهش‌های ادبی بدنبال داشته است؛ ژانرهای ادبی نیز که ساماندهنده حوزه‌های پژوهشی و آموزشی تاریخ ادبیات هستند، به بازبینی و بازتعریف نوین نیاز دارند. این مقاله با همین هدف نگاشته شده و نگارنده کوشیده است با توصیف و تحلیل آرای نظریه‌پردازان ایرانی و انیرانی، به مفهوم دقیقتری از انواع ادبی فارسی دست پیدا کند و آن را مقدمه طرح نوینی برای نگارش تاریخ ادبیات فارسی قرار دهد. باوجوداین تاکنون پژوهشی که انواع ادبی را در آثار نظامی مورد تحلیل قرار داده و رابطه آن را با اوضاع و شرایط اجتماعی بسنجد، صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با هدف رفع خلأ پژوهشی مذکور انجام شده است.

بحث و بررسی

نگاهی اجمالی به پیشینه انواع ادبی

ژانر^۱ در اصل واژه‌ای فرانسوی است که به انواع و طبقه‌های ادبی اشاره میکند. ژانرهایی که در روزگاران مختلف، آثار ادبی را گروه‌بندی کرده‌اند، متعدّدند. طبقه‌بندی آثار ادبی به گونه‌ها را «نگرش نوعی» به ادبیات مینامند. از زمان ارسطو تا کنون، نگرش نوعی، از مفاهیم عمده نظریه ادبی بوده است. بخش اعظم ادبیات جهان و نقد آن، بر پایه اعمال طبقه‌بندی نوعی هر اثر ادبی و تعیین درجه سازگاری آن اثر با ویژگیهای نوعی بوده است. گویی بدون طبقه‌بندی نوعی یک اثر ادبی، خواننده یا ناقد راهی به درون آن نمی‌یابد. هدف از این تقسیم‌بندی شناخت بهتر و کارایی بیشتر متون ادبی است. در اصل انواع ادبی، حالت‌هایی قراردادی برای طبقه‌بندی آثار ادبی بشمار می‌روند که بحث و پژوهش درباره ادبیات را آسان میکنند. تاکنون تقسیم‌بندی متون ادبی به انواع گوناگون، بر مبنای معیارهای متفاوتی صورت گرفته است. در این راستا گروهی تفاوت‌های ظاهری و قالب‌های شعری را ملاک اصلی در نظر گرفته‌اند و گروهی بر اساس زمینه معنایی متن پیش رفته‌اند. «از نظر ولک و وارن، طبقه‌بندی باید بنحوی باشد که هر دو جنبه درونی و بیرونی در آن لحاظ شود» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۵۸).

انواع ادبی و معیار تشخیص آنها در گذر زمان بسیار متعدد و متغیر است و این امر، ارائه تعریفی جامع‌و‌مانع از انواع ادبی را دشوار می‌سازد. میتوان گفت در ایران برای نخستین بار بصورت رسمی و جدی محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۵۰) تقسیم‌بندی آثار ادبی را از رهگذر شکل و فرم، مانع نقد و داوری صحیح و موجب ایجاد نقص عمده در سنت شعری ادب فارسی دانست. وی ایده تقسیم متون ادبی فارسی به چهار نوع کلی حماسی، غنایی، تعلیمی، و نمایشی را (به تأثیر از فلسفه و ادبیات یونان) مطرح نمود و فایده اصلی این کار را بررسی دقیق ضعف یا نیرو گرفتن یکی از انواع ادبی در دوره‌ای خاص بیان نمود (انواع ادبی و شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۹۸). در واقع پس از نوشته‌های افلاطون و ارسطو، قلمرو کلی ادبیات با توجه به راوی اثر، به سه دسته تقسیم میشود: ۱-دسته غنایی که به شیوه اول شخص روایت میشود. ۲-دسته حماسی که در آن راوی به زبان اول شخص صحبت میکند و سپس شخصیتها از زبان خودشان صحبت میکنند. ۳-دسته نمایشی که شخصیتها از ابتدا خودشان صحبت میکنند (Abrams & Harpham, ۲۰۰۹).

پس از شفیعی کدکنی، تعدادی از پژوهشگران این حوزه مانند خسرو فرشیدورد (۱۳۵۸)، سیروس شمیسا (۱۳۶۹)، منصور رستگار فسایی (۱۳۷۳)، و تقی پورنامداریان (۱۳۸۶) به تبیین این ایده در کتابها و مقالات خویش پرداختند. در این میان کسانی چون پورنامداریان با اعتقاد به تغییر کوچکی در این تقسیم‌بندی، معتقدند در ادب فارسی، شعر نمایشی وجود ندارد و میتوان شعر تعلیمی را جایگزین آن کرد و بر این اساس سه نوع اصلی حماسی، تعلیمی و غنایی را بعنوان انواع اصلی شعر فارسی پذیرفت. پورنامداریان این تقسیم‌بندی را مطابق با سیر تطور اوضاع اجتماعی ایران و همچنین سازگار با روش دیالکتیکی افلاطون در فلسفه درباره یک مقوله میداند (انواع ادبی، پورنامداریان: صص ۹۰۸).

ظاهراً مدتهاست محافل دانشگاهی و پژوهشی زبان و ادب فارسی، این نوع تقسیم‌بندی را پذیرفته است و در سالهای اخیر تلاش و تحقیق ویژه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. امروزه در بسیاری از دانشگاههای ایران، رشته زبان و ادبیات فارسی، در گرایشهای حماسی، عرفانی و غنایی تدریس و آموزش داده میشود و گویا ادب

^۱ Genre

^۲ برگرفته از سخنرانی ایشان در سال ۱۳۵۰ در میان دانشجویان دانشسرای عالی

تعلیمی در یک نامگذاری غیررسمی، جای خود را به ادبیات عرفانی داده است. متأسفانه بنیان ضعیف نقد ادبی و نظریه‌پردازی در ایران موجب شده است اغلب پژوهش‌های ادبی در اصل خود و یا در قیاس با یکدیگر دچار نابسامانی و آشفتگی‌های بسیاری گردند و بسیاری از مفاهیم ادبی از جمله انواع ادبی نیاز به بازشناسی و بازبینی دارند. در واقع با گذشت چهار دهه از مطرح شدن بحث انواع ادبی، همچنان این بحث صورت نهایی نیافته و بر بنیانهای نظری ثابت، استوار و مورد توافقی بنا نشده است.

انواع ادبی در آثار نظامی

در این بخش آثار نظامی از لحاظ نوع ادبی (غنائی، حماسی و تعلیمی) و زیرمجموعه‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش از پرداختن به آثار نظامی، به تعریف کلی در مورد هر یک از انواع ادبی پرداخته می‌شود.

ادبیات تعلیمی و آثار نظامی

ادبیات تعلیمی^۱ همواره بعنوان یکی از انواع ادبی کهن و اصلی در ادبیات جهان مطرح بوده است. «تعلیم» مصدر باب تفعیل عربی به معنای «آموزش دادن» است که در اصطلاح ادبیات تعلیمی، از آغاز پیدایش در دو معنای عام و خاص بکار رفته است. در گذشته بیشتر معنای خاص آن مورد توجه قرار گرفته و بعدها در معنای عام اهمیت یافته است. در معنای خاص خود، همان ادبیات آموزشی یا نظم تعلیمی است که به آموزش فن یا هنر خاصی اختصاص داشته است. در معنای عام نیز آثاری را شامل می‌شود که رستگاری و سعادت انسان را در گرو تقویت بعد روحی و معنوی انسان و تعلیم اخلاقی او میداند و تقریباً همیشه عاملی قدرتمند برای حفظ نظم اجتماعی نیز بشمار میرفته است. امروزه هنگامی که از ادبیات تعلیمی سخن می‌گوییم، منظور ادبیات تعلیمی در معنای عام آن است.

ادبیات تعلیمی که در آثار قدما با نامهای پند، تحقیق، حکمت، زهد و وعظ خوانده شده است^۲، یکی از دیرینه‌ترین و گسترده‌ترین انواع ادبی در ادبیات فارسی است که شاهکارهای بیشماری را دربرمیگیرد. ادبیات تعلیمی منبع بالارزشی برای کسب اطلاعات، یادگیری دانشها و آگاهی به خود، دیگران و پدیده‌های هستی است و موضوعات متنوعی را شامل می‌شود. از این رو ماهیت اغلب آثار ادبی تعلیمی میان‌رشته‌ای است و با دانشها و رشته‌های دیگر دارای ارتباط و پیوند مستقیم و غیرمستقیم است. از این نظر برای محدود کردن دایره این نوع از ادبیات، ناچاریم فقط آن دسته از آثاری را که در آنها آموزش هدف اصلی و اولویت نخست است، به این حوزه راه دهیم. از سویی دیگر نباید از تفاوت‌های آثار ادبی تعلیمی و آثار صرفاً تعلیمی غافل شد. در آثار ادبی تعلیمی، مباحث معمولاً با استفاده از تخیل، دلالت ضمنی و بصورت غیرمستقیم مطرح میشوند، بنابراین احساسات و عواطف نیز در آموزش نقش دارند. در واقع موضوعات آموزشی با یکی از حالتهای عاطفی پیوند می‌خورند و امر آموزش را دلچسبتر و تأثیرگذارتر نموده و با پذیرش بیشتری از سوی مخاطب همراه می‌سازند. از این جهت استفاده از تمثیل و شخصیت‌های خیالی و نمادین مانند حیوانات همواره در ادبیات تعلیمی رایج بوده است.

درنمایه‌های تعلیمی چنان با انواع شعر فارسی در آمیخته‌اند که میتوان گفت هیچ‌یک از قالبهای شعری از آنها جدا نیست. بطوری که حتی در ادبیات درباری فارسی و قصاید مدحی، ردپایی از مفاهیم اخلاقی و تعلیمی بچشم

^۱ Didactic literature

^۲ نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد که حرفی ندانست از آن عنصری (خاقانی)

میخورد. بسیاری از ستایشهایی که مخاطبان آنها صاحبان قدرت هستند، نیز بنوعی ارشاد و تبلیغ غیرمستقیم مفاهیم اخلاقی به ممدوح هستند. از این منظر شاعرانی مانند ناصرخسرو، خاقانی، سنایی و جامی دارای قصاید تعلیمی قابل توجهی هستند. در واقع از میان انواع ادبی، ادب تعلیمی بیشترین قابلیت و ظرفیت را دارد که علاوه بر شکل مستقیم، در لابلای دیگر انواع ادبی مطرح شود؛ بگونه‌ای که میتوان گفت این شاخه از ادبیات همسایه همیشگی دیگر انواع ادبی است (بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران، یلمه‌ها: ص ۱۷۳). از این نظر حتی شاهنامه فردوسی سرشار از مضامین اخلاقی و تعلیمی است. فردوسی در جای جای شاهنامه به مناسبت‌های گوناگون به اینگونه مضامین میپردازد. فردوسی اندوخته فرهنگی و تعلیمی ایران باستان را در کنار تعلیم اسلامی در شاهنامه انعکاس داده است. شاید بتوان ادعا کرد یکی از عوامل مؤثر در نفوذ شاهنامه در میان مردم همین جنبه تعلیمی آن است.

به همینگونه مضامین تعلیمی در ادبیات غنایی نیز جلوه کرده‌اند و بسیاری از این آثار را بگونه‌ای غنایی-تعلیمی بدل نموده‌اند. شاید پربراه نباشد که انواع ادبی غنایی-تعلیمی، حماسی-تعلیمی، و تعلیمی-تعلیمی را از زیرمجموعه‌های ادبیات تعلیمی بدانیم. بنابراین نباید انواع ادبی را ایستا و بدون تغییر و تحول فرض کنیم، بلکه با توجه به گفتمان غالب در هر زمانه‌ای، محتوا و فرم آنها نیز دچار تغییرات و دگرگونی‌هایی میشود. گاه موضوع اصلی اثر هستند و گاه در خلال موضوعات دیگری مطرح میشوند.

در اواخر قرن ششم هجری نظامی گنجوی بهترین شاعری است که پس از سنایی در ایجاد منظومه‌های حکمی و تعلیمی توفیق یافته است. وی در *اسکندرنامه* با پیروی از مواضع فردوسی، مضامین اخلاقی و تعلیمی گوناگونی را، بویژه در خصوص نحوه رفتار پادشاهان با مردم و همچنین واکنش مردم به ظلم و ستم پادشاهان، مطرح کرده‌است. پنج گنج نظامی را میتوان از نمونه‌های موفق نوع ادبی تعلیمی-غنایی، و تعلیمی-حماسی دانست. در میان پنج گنج نظامی، *مخزن‌الاسرار* از سایر منظومه‌ها متمایز است. این اثر را میتوان به سه بخش متمایز تقسیم کرد: بخش اول در ستایش خداوند و مناجات و مدح پیامبر، بخش دوم در بیان خلوت‌نشینیهای شبانه، و بخش سوم داستانهای تمثیلی و اخلاقی. در هر بخش بسبب بیان مضامین گوناگون، کاربرد زبان تغییر مییابد. نظامی در بخش سوم که بیشتر با ویژگیهای ادبیات تعلیمی همخوانی دارد، با بیان داستانهای تمثیلی میکوشد خواننده را اندرز دهد. حکیم نظامی شاعر اواخر قرن ششم یعنی دوره‌ای است که سرزمین ایران بینظمی و بی‌رسمیهای فراوانی بچشم دیده است. بر این اساس، وظیفه خود میدانست همچون پیشینیان در مقام مصلح اجتماعی رفتار نماید. وی نه تنها در *مخزن‌الاسرار* که مثنوی تعلیمی و سرشار از داستانهای موعظه‌آمیز است، بلکه در همه آثار خود به این مهم پرداخته است. با وجود این *مخزن‌الاسرار* را میتوان تنها اثر نظامی دانست که بیش از سایر آثار او، با ادبیات تعلیمی ارتباط تنگاتنگ دارد. این اثر، شاهکار و سنگ بنای استواری در زمینه ادبیات تعلیمی بشمار میرود. اینگونه بنظر میرسد که شاعر در این اثر که آن را به شیوه *حدیقه/الحقیقه* سنایی سروده، قصد نظیره‌گویی داشته است؛ از این رو، با بیانی سرشار از تصویرهای زیبای شاعرانه، بسیاری از آموزه‌های اخلاقی را ارائه نموده است. نظامی، علاوه بر *مخزن‌الاسرار*، در سایر آثار خود نیز در مقام معلم اخلاق و مصلح اجتماعی ظاهر شده است. وی با مشاهده جامعه فسادزده، رو به تباهی و آکنده از دروغ و ریا که به دست حاکمانی خونریز، بیرحم و شراب‌خوار اداره میشد، سعی نموده هر جا که سخن مجال داده، راه وعظ و ارشاد درپیش گیرد. بر این اساس، در منظومه خسرو و شیرین نیز از بیان دقیق حکمت عملی غافل نمانده است. شاعر در این اثر عاشقانه، با استفاده از هنر شاعری خود توانسته بدون آنکه به سلسله حوادث داستانها خللی وارد آید، مسائل تعلیمی و اندرزه‌های خود را به مخاطب منتقل نماید.

منظومه عاشقانه لیلی و مجنون را نیز «نه همچون یک هوس‌نامه بلکه تا حدی بمثابه یک عبرت‌نامه، لوح مشقی را برای تصویر ضعف و عجز انسان درمقابل سرنوشت میسازد و بدینگونه رنگ تعلیم و اخلاق را بدان میبخشد» (پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، زرین‌کوب: ص ۱۲۶). شاعر دیار آذربایجان، در مثنوی حماسی - غنایی هفت پیکر نیز همچون مرتبی اخلاق، نصایح تعلیمی و دیدگاه‌های عبرت‌آموزی را بیان کرده و گاه همچون پیری کاردان به ارشاد و هدایت مردم جامعه، سلاطین و زمامداران پرداخته است. او در آخرین اثر خود، اسکندرنامه، نیز که آن را در واپسین سالهای زندگانی خود سروده، به طرح مباحث اخلاقی و تعلیمی در خلال داستانها پرداخته است. آوردن اندرزنامه‌ها در آغاز بسیاری از داستانهای شرفنامه نشان میدهد پندها، موعظه‌ها و اشعار حکمی در این اثر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بخش دوم اسکندرنامه که اقبالنامه نامیده میشود، یک دوره حکمت عملی و نظری است که همراه با تمثیلاتی درباره نکات اخلاقی سروده شده است.

در مجموع برخی از مهمترین مضامین اخلاقی و تعلیمی در آثار نظامی عبارتند از: عدالت، اغتنام فرصت، پرهیز از عیبجویی، ناپایداری دنیا، ترک علائق و دل بستگیهای دنیوی، پرهیز از غرور و تکبر، خاموشی، پرهیز از ظلم و ستمگری، و ترک دنیا.

ز فردا و ز دی کسی را نشان نیست	که آن رفت از میان، وین در میان نیست
یک امروز است ما را نقد ایام	بر او هم اعتمادی نیست تا شام
بیای تا یک دهن پر خنده داریم	یک امشب را به شادی زنده داریم
	(خسرو و شیرین: ص ۲۰۱)
ای نظامی ز گلشنی بگریز	که گلش خار است و خارش تیز
با چنین ملک از این دوروزه مقام	عاقبت بین چگونه شد بهرام
	(هفت پیکر: ص ۲۰۱)

ادبیات غنایی و آثار نظامی

ادبیات غنایی یکی از انواع مهم ادبی در ادبیات اروپا بشمار میرود. ادب غنایی در اصطلاح، گونه‌ای است که شاعر با زبانی نرم و لطیف و با استفاده از معانی عمیق و باریک به بیان عواطف و احساسات شخصی میپردازد. «اینگونه اشعار - که کوتاه بود- در یونان به همراهی بربط خوانده میشد. از این رو در زبان فرنگی به اشعار غنایی، لیریک (Lyric) میگویند» (انواع ادبی، شمیسا: ص ۱۲۷). در ادبیات غنایی، برخلاف ادب حماسی، که عواطف و احساسات شاعر اظهار نمیشود، آنچه اهمیت دارد «حالتی روحی است که تحت تأثیر برخورد با طبیعت و واقعیت‌های زندگی، در شاعر ایجاد میشود و همین احوال روحی یا احساسات و عواطف است که جریان قدیمی معنی‌زایی را جهت میدهد و در نهایت، شعر را بوجود می‌آورد» (انواع ادبی در شعر فارسی، پورنامداریان: ص ۱۶).

این نوع ادبی و با این عنوان در شعر فارسی سابقه نداشته و «ادبا اصطلاح خاصی برای آن نداشته‌اند. چه تعبیراتی از نوع غزل یا تغزل در ادبیات ما بوده که در طول زمان، مفهوم آن تغییرات وسیعی داشته است» (انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو: ص ۸۶). هرچند اشعار غنایی با این نام خاص در ادب فارسی نبوده، شعرهای عاشقانه همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. اشعار غنایی در ادبیات فارسی به دو شکل شعر احساسی و شعر عاشقانه وجود داشته، از این رو از موضوعات گوناگونی چون مدح، مفاخره، مناظره، شکوائیه و ... برخوردار بوده است. شعر غنایی در سیر تطوّر خود از نظر معنی و مضمون تحولات بزرگی را پشت سر گذاشته است؛ بدین معنی که شاعران مدیحه‌سرای که «بیشتر توجهشان به مدح سلاطین و وزرا بود، در تشبیب قصیده، از حدود معانی

عشقی و وصفی بیرون نمیرفتند» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۱۲۶). هرچند عمده مضامین شعر غنایی را تا پایان قرن پنجم، بیان حالات گوناگون عشقی، شرح آیام وصال و فراق و وصف طبیعت تشکیل میداد، از قرن ششم به بعد و با ظهور سنایی غزنوی، تحولی عظیم در مضامین اشعار غنایی روی داد. همین ابتکار هنرمندانه سنایی، بعدها سرمشق شاعران بزرگی چون عطار نیشابوری، مولانا جلال‌الدین رومی و حافظ قرار گرفت و بدین ترتیب اشعار غنایی به اوج کمال خود دست یافت.

مهمترین زمینه شاعری نظامی، عاشقانه‌سرایی است. او با سرودن *لیلی* و *مجنون* و *خسرو* و *شیرین*، و تا حدودی هفت پیکر، سنگ بنای ادبیات غنایی در زمینه داستانهای منظوم عاشقانه است. اقدام او تا حدی با موفقیت همراه بود و مورد توجه قرار گرفت که جریانی با عنوان *خمس‌سرایی* شکل گرفت که شاعران بسیاری را در ایران و هندوستان به طبع‌آزمایی و تقلید از او مشغول داشت. سوی مفاهیم عاشقانه، که اصلیت‌ترین بنمایه ادبیات غنایی است، در اشعار نظامی، زیرمجموعه‌های گوناگونی از ادب غنایی وجود دارد. در ادامه این بخش به برخی از مهمترین این موارد اشاره میشود.

اعتذاریات: اعتذاریات یکی از انواع شعر از لحاظ مضمون و محتوا است که در دوره‌های مختلف شعر فارسی در آثار شاعران بویژه شاعران مدیحه‌سرا مانند عنصری، فرخی، ابوالعلاء گنجوی، و خاقانی دیده میشود. با مطالعه آثار شاعران با این رویکرد، میتوان دریافت شاعرانی که وابسته به دبار بوده‌اند «پس از رانده شدن از آستان ممدوح و قرار گرفتن در معرض عتاب یا حبس و گرفتاری در زندان و انقطاع لطف و عنایت مخدوم به گناه و جرایم و خطاهایی که راست یا دروغ بدان مأخوذ گشته‌اند، در رد اتهامات و اثبات مراتب بیگناهی و قیام به وظایف بندگی و جلب عاطفت متعذریه، چنین اشعاری را سروده‌اند» (شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص ۱۹۲). مطالعه و شرح احوال حکیم نظامی بیانگر آن است که هرچند وی از بیرسمیهای زمانه خود رنج برد و از جنگاوران بیابانگرد بعلت ایجاد نظام آشفته در اجتماعش نفرت داشت، با برخی از پادشاهان و فرمانروایان آن عصر ارتباط داشت. حکیم نظامی، شاعری درباری و مدح‌پیشه نبود و همانند معاصران و بسیاری از شاعران پیش از خود، شعر را وسیله کسب معاش خود قرار نداد؛ اما هریک از آثار خود را به یکی از پادشاهان عصر خود تقدیم داشته است. با مطالعه هریک از این آثار، میتوان به اشعاری از نوع اعتذاریات برخورد. اعتذاریات در آثار نظامی به سه دسته تقسیم میشوند که عبارتند از: ۱- عذرخواهی از پادشاهان؛ ۲- عذرخواهی از معشوق؛ ۳- عذرخواهی پادشاه از زیردستان. در اشعار نظامی، نوع نخست یعنی عذرخواهی از پادشاهان، با استقلال بیشتری از کل متن اثر آمده و به اعتذاریات شباهت بیشتری دارد. در این نوع عذرخواهی، مقام و جایگاه شخص متعذریه از متعذر بالاتر است. در واقع شخص عذرخواه بطور معمول از بیان دلایل و برهانهای منطقی خودداری میکند و دلایل خود را در رفع اتهام در نهایت در تواضع ابراز میدارد. شیوه شاعران در این نوع اعتذار آن است که ابتدا ابیاتی در مدح پادشاه میسرایند، سپس پذیرش عذر و عفو خود را از درگاه وی طلب مینمایند تا عطوفت و مهربانی متعذریه را به خود برانگیزانند. در این شیوه، شاعر بر آن است که بر گناه خود اعتراف ننماید بلکه بیشتر اتهام را متوجه حسودان، عنودان و سخن‌چینان نماید.

نظامی در همه آثار خود پس از ستایش خداوند و آوردن فصلی در نعت پیامبر (ص)، بخشی را به مدح پادشاهی اختصاص داده که آن اثر، به وی تقدیم شده است. وی پس از بیان خصایص برجسته ممدوحان، با رعایت اصول اخلاقی و در نظر گرفتن مقام و جایگاه پادشاه، در نهایت تواضع و خشوع از آنها عذرخواهی نموده است. برای نمونه شاعر در ابیات زیر، تحفه گرانقدر خود، منظومه خسرو و شیرین، را نذلی درخور نمییند که آن را به شمس‌الدین محمد جهان‌پهلوان بن ایلدگز تقدیم نماید، بنابراین بر خود واجب دانسته عذرنامه‌ای بسراید و از این طریق، عطوفت

و مهربانی وی را به خود جلب نماید. علاوه بر این شاعر از اینکه در عرض بندگیش تأخیر نموده، پوزش طلبیده و بر جبران مافات عهد بسته است.

<p>در این اندیشه بودم مدّتی چند نبودم تحفۀ چپّال و فغفور بدین مشتی خیال فکرتانگیز اگرچه مور قربان را نشاید نبود آبی جـز این در مغز میغم نباشد بر ملک پوشیده رازم به عرض بندگی دیر آمدم دیـر ندانم کرد خدمتهای شـاهی سر خود را به فتراکت سپارم</p>	<p>که نزلی سازم از بهر خداوند که پیش آرم، زمین را بوسم از دور بساط بوسه را کردم شکرریز ملخ نزل سلیمان را نشاید وگر بودی نبودی جان دریغم که من جز با دعا با کس نسازم اگر دیر آمدم شیر آمدم شیر مگر لختی سجود صبحگاهی ز فتراکت چو دولت سر برآرم (خسرو و شیرین: ص ۱۲۸)</p>
---	---

تقاضا: تقاضا و درخواست بعنوان یکی دیگر از گونه‌های ادبیات غنایی به اشعاری گفته میشود که شاعر در ضمن آنها، تقاضای خود را مطرح کند. این نوع شعرگویی، بیشتر خاصّ شاعران مدیحه‌سرای درباری بوده است. چه بسیار دیده شده است که هرگاه شاعران بویژه از قرن ششم به بعد، از بذل توجّه پادشاهان محروم میشدند و درباریان لطف و عنایت خود را از آنها بازمیگرفتند، در ضمن قصاید مدح‌گونه خود، به شکایت از بی‌توجهی پادشاه روی آورده و گاه با ذکر خدمتهای گذشته، درخواستهایشان را ابراز نموده‌اند. برخی محققان درباره این گونه ادبی، بر این باورند که «مدیحه‌گویی و ستایشگری، شغل و پیشه این گروه از شاعران بوده است و بدان وسیله امرار معاش میکردند. پس اگر ممدوحی در اعطای جوایز و پرداخت وظیفه اهمال روا دارند، چندان ناروا نیست اگر شاعران در مقام گله و شکایت برآیند و از ناچاری به تقاضا استعطاف پردازند» (شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص ۲۶). مطالعه آثار نظامی از این دیدگاه بیانگر آن است که دو نوع تقاضا و درخواست در آثار وی بکار رفته است که عبارتند از: تقاضای پادشاهان از شاعر: برخلاف معمول، شهرت نظامی از همان اوایل کار شاعری سبب شد برخی فرمانروایان از وی تقاضای سرودن منظومه‌هایی چون *لیلی* و *مجنون*، *خسرو و شیرین* و *هفت پیکر* را داشته باشند. نظامی، آنگونه که خود در *لیلی* و *مجنون* اشاره نموده، تمایلی به سرودن این منظومه نداشته است؛ اما تشویق فرزند گرانمایه‌اش سبب شد درخواست سلطان مورد اجابت قرار گیرد. شاعر از زبان پادشاه شروان، ابوالمظفر اخستان‌بن منوچهر، چنین سروده است:

<p>از چاشنی دم سحرخیزیز در لافگه شگفت‌کاری خواهم که کنون به یساد مجنون چون لیلی بگر اگر توانی تا خوانم و گویم این شکر بین</p>	<p>سحری دگر از سخن برانگیز بنمای فصاحتی که داری رانی سخنی چو در مکنون بگری دو سه در سخن نشانی جنبانم سر که تاج سر بین (لیلی و مجنون: ص ۴۴)</p>
---	--

نظامی همچنین برای سرودن منظومه *هفت پیکر* انگیزه‌های جز تقاضای کرپه ارسلان، حاکم مراغه، بیان نکرده است.

چون اشارت رسید پنهانی
 پر گرفتم چو مرغ بالگشای
 در اشارت چنین نمود برید
 تا کند سحر، سحرسازی تو
 از سراپردۀ سلیمانی
 تا کنم بر در سلیمان جای
 که هلالی برآور از شب عید
 جاودان را خیالباری تو
 (هفت پیکر: ص ۸۹)

نکته قابل تأمل آنکه در همین بخش از کتاب، شاعر به این نکته اشاره نموده که پاداشی در برابر سرودن این منظومه دریافت نکرده است تا گشایشی در وضع زندگی وی حاصل شود.

چیسست کانجا من جواهرسنج
 برسنجیدم از جواهر و گنج
 برگشادم بسی خزلن خاص
 هم کلیدی نیافتم به خلاص
 (همان: ص ۹۲)

تقاضای شاعر از پادشاهان: در آثار حکیم نظامی، نمونه‌های محدودی از درخواست و انتظار شاعر از احسان پادشاهان بچشم میخورد. در این موارد محدود نیز سعی شاعر بر آن بوده است که درخواستهای مادی خود را بطور تلویحی بیان نماید. برای نمونه شاعر، فرزندی به نام محمد داشته که تنها یادگارش از همسر وی، آفاق، بوده است. او فرزندش را چون جان گرامی میداشت. نگرانی از آینده یگانه فرزند، سبب شده نه برای برخورداری خود بلکه بسبب آنکه مبادا فرزندش پس از وی، چشم‌انتظار صله گردد، تقاضای احسان پادشاه در حق او را داشته باشد.

دانی که چنین عروس مهدی
 گم در پدرش نظر نیاری
 از راه نوازش تمامش
 تا حاجتمند کس نباشد
 نامد ز قران هیچ عهدی
 تیمار برادرش بداری
 رسمی ابدی کنی به نامش
 سر پیش و نظر ز پس نباشد
 (لیلی و مجنون: ص ۵۸)

نظامی در پایان منظومه لیلی و مجنون پس از برشمردن اوصاف این اثر و اندرز پادشاه، تقاضای خود را از درگاه سلطان بگونه‌ای بیان نموده که بر مخاطب روشن نیست آیا از ممدوح درخواست زر و سیم داشته یا مصون ماندن اثرش از گزند آیام، حاسدان، معاندان و وقایع ویرانگر، انگیزه وی بوده است. از کلیت آثار شاعر چنین دریافت میشود که انگیزه‌های معنوی دلیل مهمتری برای درخواستهای او بوده است؛ وگرنه وی بر این امر قادر بود که همانند شاعرانی چون سنایی و انوری در هر مجالی، تقاضای مادی خود را ابراز دارد.

روزی که به طالع مبارک
 مشغول شوی به شادمانی
 از پیکر این عروس فکری
 آن باد که در پسند کوشی
 در کردن این چنین تفضل
 بیرون بری از سپهر، تارک
 وین نامه نغز را بخوانی
 گه گنج بری گاه بگری
 ز احسنت خوشش پزند پوشی
 از تو کرم و ز من توکل
 (همان: ص ۳۰۰)

نظامی در اسکندرنامه بدون هیچگونه چشمداشت مادی، از ممدوح خود انتظار دارد توجه معنوی به این منظومه داشته باشد و وی را مورد تحسین قرار دهد. شاعر در ابیات زیر، بعنوان مصلح اجتماعی بر این نکته تأکید نموده

که گنجی از اندرز و حکمت در این اثر نهفته است که شاعر کلید آن را به پادشاه میسپارد و به همین دلیل خود را سزاوار تحسین میداند.

<p>سپاس از خداوند گیتی پناه به انصاف شه چشم دارم یکی گر افسانه‌های بیند از کار دور وگر بیند از دُر در او موج موج درین گنجنامه ز راز جهان کسی کان کلید زر آرد به دست تو دانی که این گوهر نیم سفت نشاط از تو دارد گهر سفتنم</p>	<p>که بیش است از این قصه انصاف شاه که بیند در این داستان اندکی نه سایه بر او گستراند نه نور سراینده را سر برآرد به اوج کلید بسی گنج کردم نهان طلسم بسی گنج داند شکست چه گنجینه‌ها دارد اندر نهفت سزاوار توست آفرین گفتنم (شرفنامه: صص ۶۶-۶۵)</p>
--	--

ساقینامه: ساقینامه یکی دیگر از انواع ادبیات غنایی است که از دیرباز در آثار شاعران پارسی‌گوی بچشم میخورد. ساقینامه‌ها اشعاری هستند که «شاعر، ساقی یا مطرب را مورد خطاب قرار میدهد و از آنان میخواهد باده‌ای در کار کنند و سرودی سردهند. سپس از گذر سریع عمر، ناپایداری دنیا و جفای روزگار سخن میراند و خواننده را به اغتنام فرصت و دریافتن دم اندرز میدهد» (انواع ادبی، شمیسا: ص ۲۴۹). گروهی از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که حکیم نظامی در سرودن ساقینامه به اشعار فخرالدین اسعد گرگانی نظر داشته است. تأییدکننده این امر، آن است که «بحر ساقینامه نظامی و فخرالدین یکی است و نظامی حتی تغییری جزئی در آن روا ندیده است. علاوه بر این تمام بیت‌های نخستین ساقینامه‌های نظامی با جمله «بیا ساقی» آغاز میشود، درست بهمان صورت که در یگانه بیت خطاب به ساقی از فخرالدین باز مانده است» (مقدمه تذکره پیمان، گلچین معانی: ص ۲). مهمترین دلیلی که برای ساقینامه‌سرایی نظامی میتوان ذکر کرد، این است که در این نوع ادبی، شاعر به شیوه‌های گوناگون به بیان عواطف و احساسات خود پرداخته است. شاعر در این نوع اشعار گاه به بهانه مستی و بیخودی، بیپروا از دغدغه‌های درونی خود، ناپایداری دنیا، بی‌اعتباری و بیهودگی جهان و مانند آنها سخن گفته است:

<p>بیا ساقی، آن جام زرین بیار می نواب ده عاشق ناب را که مانند از فریدون و جم یادگار به مستی توان کردن این خواب را (شرفنامه: ص ۳۴۱)</p>	<p>بیا ساقی، آن می که فرخ‌پی است می‌ای کاوست حلوی هر غم‌کشی به من ده که داروی مردم می است ندیده به جز آفتاب آتشی (همان: ص ۱۴۱)</p>
--	--

ساقینامه‌های نظامی از نظر ساختار در بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف بر وزن فعولن فعولن فعول / فعل سروده شده‌اند. یادکردنی است که شاعر گاه برای ایجاد تنوع از قالبهای دیگر مانند ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی و وزنهایی متفاوت از آنچه ذکر شد، در سرودن ساقینامه‌های خود استفاده کرده است. یکی دیگر از ویژگیهای ساقینامه‌های نظامی از نظر صرفی آن است که بطور غالب و بویژه در شرفنامه با فعل امر «بیا» آغاز شده‌اند.

بیاساقی از خود رهاییم ده ز رخشنده می روشناییم ده
می‌ای کاو ز محنت رهایی دهد به آزرندگان مومیایی دهد
(همان: ص ۹۰)

ویژگی دیگر ساقینامه نظامی آن است که «وی علاوه بر حاکم کردن روح عرفانی، فلسفی و اخلاقی در مضامین ساقینامه‌های خود، واژگان، مضامین و ترکیبات را در آنها به معنای کنایی و رمزی بکار برده است» (سیر تحول فکری نظامی در ساقینامه، حیدری و خاتمی: ص ۲۳۳). برای نمونه در ابیات ذیل، با تشبیه شراب به جام جهان‌بین کیخسرو، از دریچه‌هایی یاد کرده است که باده عرفانی در برابر وی گشوده تا حقایق جهان معنا را دریابد.

بیاساقی، آن جام آینه‌فام به من ده که بر دست به جای جام
چو زان جام کیخسرو آیین شوم بدان جام روشن، جهان‌بین شوم
(شرفنامه: ص ۱۵۳)

مدح: مدح یکی از انواع ادبیات غنایی است که در سیر تطور خود از آغاز تا کنون تحت تأثیر اندیشه‌وران و شرایط اجتماعی حاکم بر جوامع انواع گوناگونی یافته است. وضع مدیحه‌سرایی در عصر سلجوقی با گذشته متفاوت بود؛ زیرا شاعران در این دوره با غلامانی بیابانگرد و مهاجمانی وحشی سروکار داشتند؛ بنابراین بسیاری از مضامین طبیعی که پیش از این دستمایه شاعران قرار می‌گرفت، جای خود را به مبالغه‌های دور از واقعیت داد. مطالعه عصر سلجوقی نشان می‌دهد که پادشاهان بسیاری از آداب‌ورسوم و معیارهای گذشتگان را زیر پا گذاشتند. همین امر سبب شد که شاعران هر کس را بنوعی با مبالغه و گزافه‌گویی ستودند؛ بنابراین باید این مبالغه‌گوییها را از نتایج سیر تکاملی ادبیات درباری دانست. از میان برخی از این مدحها، میتوان به بسیاری از خوی و خصلتهای حاکم بر دربارها پی برد و دریافت که تا چه اندازه انحطاط اخلاقی در درون این جامعه رواج داشته و چه بسیار منکرها که در آن دوره معروف بوده است.

با مطالعه آثار نظامی میتوان دریافت که مدایح او، مدایحی هستند که شاعر بدون آنکه در طلب روزی، سر بر آستان پادشاه یا فرمانروایی بساید، در بزرگداشت آنان سروده است. سرآغاز مثنویهای حکیم نظامی بعد از ستایش خداوند و نعت پیامبر (ص)، طبق روش معمول گذشتگان، به مدح پادشاهان اختصاص یافته است. نمونه‌ای از مدح شاعر در ستایش کرپ ارسلان:

پادشاهی که ملک هفت اقلیم دخیل دولت بدو کند تسلیم
حجت مملکت به قول و به قهر آیتی در خدایگانی دهر
خسرو تاجبخش تخت‌نشان بر سر تاج و تخت گنج‌فشان
شاه کرپ ارسلان کشورگیر به ز الپارسلان به تاج و سریر
مهدی‌ای کافتاب این مهد است دولتش ختم آخرین عهد است
رستمی کز فلک‌سواری رخس هم بزرگ است و هم بزرگی‌بخش
اوست آن عالمی که از کف خویش هر دم آرد هزار جوهر بیش
صحف گردون ز شـرح او ورقی عرق دریا ز فیض او عرقی
بر و بحر هر دو زیر فرمانش بری و بحری آفرین‌خوانش
(هفت پیکر: صص: ۹۴-۹۵)

مفاخره: این نوع ادبی در اصطلاح، شعری است که «شاعر در مراتب فضل و کمال، علو طبع، عزت نفس، شجاعت، افتخارات قومی و خانوادگی و در شرح نسب و کمال حسب خویش آورده است» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ذیل مفاخره). با مطالعه سبک‌شناسی قرن چهارم و پنجم میتوان دریافت در این دوره «ادبیات فارسی از سرچشمه روح و ذوق سالم و اصیل الهام می‌گرفت و هنوز تأثیر معنوی ادبیات عرب کارگر نیفتاده بود. ادبای ایران چندان بوضوح به مفاخرات شخصی [آنگونه که در شعر شاعران عرب بکار رفته بود] توجه نداشتند و زیاد بدنبال آنها نمی‌رفتند» (شعر و ادب فارسی، مؤتمن: ص ۱۶۶). در قرن ششم، بعثت نزدیکی سلجوقیان به خلفای بغداد بجهت تحکیم پایه‌های حکومت خود از یک سو و توجه به زبان عربی و نفوذ آن در زبان فارسی بویژه در شاخه آذربایجانی که نظامی گنجه‌ای یکی از سرآمدان آن نامیده میشد، «همه اقشار فضلا از دبیران و شاعران متوجه ادب عرب بودند. در این دوره، کم‌کم این فکر رواج یافت که بسیاری از دقایق و ظرایف [شعری] را جز به عربی نمیتوان بیان کرد» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۱۶۵). عوامل ذکر شده به همراه ارتباط فرهنگی بیشتر، سبب شد این نوع ادبی با محتوای آنچه در اشعار عرب رواج داشت از جمله خودستایی، افتخار به شهرت و ... در شعر شاعران ایران‌زمین نیز راه یابد. حکیم نظامی در پهنه شعر و ادب فارسی یکی از استادان مسلم زبان و ادبیات فارسی شناخته میشود. تأثیرپذیری این شاعر از محیط، مناظر دل‌انگیز طبیعت، تصویر احوال و اشخاص، قدرتی است که وی با تکیه بر نبوغ خدادادی، نیروی ذاتی، ذهن خلاق، نیروی اندیشه باریک و نازک‌خیالی خود توانسته آنها را به شاهکار ادبی و اثری جاویدان تبدیل نماید. با این اوصاف اگر در آثار نظامی مباحثات به سخنوری دیده میشود، جای شگفتی نیست.

شعر به من صومعه بنیاد شد	شاعری از مصطبه آزاد شد
زاهد و راهب سوی من تاختند	خرقه و زنار در انداختند
گر بنمایم سخن تازه را	صور قیامت کنم آوازه را
هرچه وجود است ز نو تا کهن	فته شود بر من جادوسخن
بابل من گنجه هاروت‌سوز	زهره من خاطر انجم‌فروز

(مخزن الاسرار: صص ۲۹-۳۰)

شکوائیه: در قرن ششم با وجود حاکمیت سلجوقیان بر کشور، شرایط ایده‌آلی بر جامعه حاکم نبوده است. انقلاب حال، آشفتگیهای اوضاع و بی‌ثباتی احوال به جهت انتقال قدرت از غزنویان به سلجوقیان، موجب روی آوردن مردم به فساد، تباهکاری و ... شده بود. همچنین جنگهای طولانی برای بدست آوردن متصرفات بیشتر توسط ترکان سلجوقی و نادانی مردم، باعث دور شدن شاعران از مدینه فاضله و دنیایی آرمانی شد که در ذهن خود پرورانده بودند. موارد بسیاری از شکوائیه را در آثار نظامی میتوان یافت. مهمترین مضامین شکوائیه‌های اجتماعی که در آثار نظامی بکار رفته است، عبارتند از: شکوه از مردم روزگار، شهر و دیار خود، تغییر در ارزشهای اجتماعی، و دورویی و نفاق.

شکایت از مردم زمانه: آثار نظامی بیانگر آن است که وی مردی دانشمند و بااخلاق بوده و تا آنجا که امکان داشته از مصاحبت با خلق دنیا اعراض نموده است. با اینهمه او شاعری است که از آنچه در جامعه‌اش رخ میداده، آگاه بوده است. از این رو همچون آموزگاری مخاطبان خود را به دوری و خلوت‌گزینی از ابنای روزگار فرامیخواند.

گر عاقلی جدا شو از ابنای روزگار	زان بیشتر که روح شود از بدن جدا
خلقند غول‌شیوه، چه گردی به گردشان؟	با غول کس نگشته در این وادی آشنا

گردون سیمابی مگار طرفه‌کار آورده در نظر دو سه چیزی بشرنا
(دیوان نظامی: ص ۲۱۸)

روزگاری که نظامی در آذربایجان بسر میبرد، این سرزمین عرصهٔ منازعات سیاسی و اجتماعی بود. عمده‌ترین کار سلاطین سلجوقی سفر به اطراف و اکناف کشور بقصد کشورگشایی بود. بر این اساس، آنان از مردم انتظاری جز پرداخت مالیات نداشتند تا هزینهٔ لشکرکشیهای خود را تأمین نمایند. این شرایط سبب شده بود بسیاری از فضایل اخلاقی از جمله وفاداری، مهین‌دوستی و ... کمتر مورد توجه قرار گیرد. عدم توجه به روابط اجتماعی در بین سلاطین نیز رواج داشت. بعنوان مثال «از عادات سنجر آن بود که غلامی را برمیگزید، بدو عشق میورزید، جان و مال خود فدای او میکرد ولیکن چندگاهی بعد به نحوی خاص او را از میان میبرد» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲: ص ۷۱). بروز رفتارهای نادرست اجتماعی بر حکیم نظامی، که اندیشه‌اش بر برادری، مهرورزی به هم‌نوع و دیگر فضیلت‌های اخلاقی استوار بود، گران تمام میشد:

هر که کند صحبت نیک اختیار	آید روزیش ضرورت به کار
صحبت نیکان ز جهان دور گشت	خوان عسل خانهٔ زنبور گشت
دور نگر کز سر نامردمی	برحذر است آدمی از آدمی
معرفت از آدمیان برده‌اند	و آدمیان را ز میان برده‌اند
چون فلک از عهد سلیمان بری است	آدمی آن است که اکنون پری است
با نفس هر که در آمیختم	مصلحت آن بود که بگریختم
سایهٔ کس فر همایی نداشت	صحبت کس بوی وفایی نداشت

(مخزن‌الاسرار: ص ۵۰)

شکوه از تغییر در ارزشهای اجتماعی: گلایهٔ حکیم نظامی، گاه از تغییر در ارزشهای اجتماعی جامعه است. آنچه در شرایط اجتماعی دورهٔ تسلط سلجوقیان بر ایران رخ داد، نتیجهٔ اختلافات شدید میان امرای سلجوقی و بیثباتی اوضاع بود. این امر سبب شد «شیرازهٔ امور دولتی و اجتماعی از هم بگسلد و نظم و ترتیبی که در دورهٔ سامانی در امور ملاحظه میشد، اندک‌اندک راه نیستی سپرد و امن و راحت از میانه برخیزد» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲: ص ۱۲۰).

شد بر کنار ملت و دین رفت از میان	وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
دارد هزار باره شرف بر چنین گروه	رهبان دیر ارمن و گبر کلیسیا
فرعونیان مصر زمان مارسیرتند	کو موسی‌ای که معجزه بنماید از عصا
از بهر صید خلق نهد دام شیخ شهر	صیادوار کرده نهران رو در انزوا

(دیوان نظامی: صص ۲۱۸-۲۱۹)

از کس وفا مجوی کزین بیمروتان	معدوم شد مروّت و منسوخ شد سخا
بر خوان این فریق مبر دست احتیاج	گر بایدت ز خون جگر ساختن غذا
طغیان ممسکی است بحدّی که گر ز کوه	سائل کند سؤال نیاید برون صدا

(همان: ص ۲۱۸)

شکوه از بی‌قیمتی علم و ادب در نزد مردم: شاعر گاه ابنای بشر را مورد خطاب قرار داده و از اینکه آنان اهل هنر را واقعی نمی‌نهند، گلایه‌مند شده است.

چون نپسندی گه‌ری گم بود
چشمه آن آب دوچندان شود
و این هنر امروز در این خاک نیست
بی‌هنری دست بدان درزند
تا هنرش را به زبان آورند
نسبت اندیشه به سودا کنند
(مخزن‌الاسرار: ص ۹۴)

گر هنری در تن مردم بود
گر بپسندیش دگرسران شود
خاک زمین جز به هنر پاک نیست
گر هنری سرز میان برزند
کار هنرمند به جان آورند
حمل ریاضت به تماشا کنند

نکته مهم دیگر اینکه «آدمی باید صاحب ذوق سلیم و تربیت یافته، احساس قوی و دل بیدار و آگاهی باشد تا بتواند دقایق اندیشه‌ها و لطف سخنان والایی که در آثار بزرگان شعر فارسی نهفته است، دریابد» (مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی، وزین‌پور: ص ۲۸۲)؛ بنابراین در روزگار این شاعر بزرگ که قبایلی صحرانشین، بی‌فرهنگ و بی‌بهره از علم و دانش بر کشور حکومت می‌راندند و مردم نیز در سایه آنان تربیت می‌شدند، چگونه میتوان انتظار داشت که معانی اشعار سرشار از لطف و آراسته به صنایع لفظی و معنوی کسانی چون حکیم نظامی را دریابند و آن را ارزشمند شمارند.

کوری چشم زمانه، خوشدل‌م من خود از آن
کز چنان سگ‌مردمان باشد دریغ این استخوان
در یمن بحر شفیعم، در ختن خونین‌دهان
(دیوان نظامی: ص ۲۴۶)

قره‌العینی چو من، وانگه زمانه کورچشم
منکران فضل را جز ناخنه، ناخن مباد
گرچه اندر گنجه چون گنجور مجرم عاجزم

شکوا بیه‌های سیاسی: مطالعه اوضاع سیاسی حاکم بر اواخر دوره سلجوقیان که با مرگ ملکشاه سلجوقی و بقدرت رسیدن فرزندش، سنجر، آغاز شد، بیانگر آن است که در اواخر سلطنت سلجوقیان، کشور همچنان عرصه منازعات و جدال‌هاست. در این ایام «قدرت سلجوقیان از نظر سیاسی مانند روزگار آلپ ارسلان و ملکشاه نبود؛ گذشته از جنگها و برادرکشیها که در آغاز سلطنت سنجر روی داد، غائله حمله غز و مصائبی که بیار آورد و شورش مداوم امرای سرکش، حتی در ایران نیز دو سه رقیب نیرومند همیشه آماده مبارزه با سلطه سلاجقه وجود داشت» (تاریخ ادبی ایران، براون: ص ۵۵۴). چنین اوضاع و احوالی بدون شک بر ادبیات این دوره اثر گذاشته و شاعران که با ناسامانیهای سیاسی روبرو بوده‌اند، آنها را در اشعار خود منعکس کرده و گلایه خود را از رفتار ظالمانه حاکمان ابراز داشته‌اند. «این شکایتها، همه انعکاسی از افکار عمومی است و در آنها همه خلق از امرا و رجال سیاست و دین به باد انتقاد گرفته شده‌اند» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ص ۱۲۵).

حکیم نظامی گاه با درنظرگرفتن برخی ملاحظات و دور ماندن از خشم و کینه فرمانروایان، به شکوه و شکایت از ظلم و ستم حاکمان توسط شخصیت‌هایی که در داستانهایش آفریده، روی آورده است.

دست زد و دامن سنجر گرفت
وز تو همه‌ساله ستم دیده‌ام
زد لگدی چند فرا روی من
با تو رود روز شمار، این شمار
وز ستم آزاد نمینمت
(مخزن‌الاسرار: ص ۵۲)

پی‌رزی را ستمی درگرفت
کای ملک آرم تو کم دیده‌ام
شحنه مست آمده در کوی من
گر ندهی داد من ای شهریار
داوری و داد نمیبینمت

نیز در داستان پادشاهی بهرام گور، ضمن اشاره به ظلم و ستم وزیر نالایق این پادشاه، گلایه خود را از زبان یکی از شاکیان بیان کرده است.

<p>در زمین‌بوسی شاه بنده‌نواز کآشناییش روشنایی بود سوی باغ من آمد آن یاغی تا دهم روشنی چراغ تو را تهمتی از دروغ بر من بست باغ را بستد از من درویش این تظلم نیاورم بر شاه وین سخن را کمینه رفت دو سال (هفت پیکر: صص ۲۴۴-۲۴۳)</p>	<p>کرد شخص دوم دعای دراز گفت باغیم در کیایی بود روزی از راه آتشیمن داغی گفت بر من فروش باغ تو را عاقبت چون ز کینه شد سرمست تا بدان جرمم از جنایت خویش وز پی آن که در تظلم گاه کرد زندانیم به رنج و وبال</p>
---	---

همچنین مواردی مانند شکایت از زمانه (هفت پیکر: ص ۱۰۸؛ شرفنامه: ص ۴۶۳)، و مرگ و نیستی (اقبالنامه: ص ۲۴۵) نیز در میان اشعار نظامی دیده میشود.

نیز میتوان ابیاتی را از دل آثار او بیرون کشید و با هویتی مستقل، بعنوان گونه ادبی در نظر گرفت؛ مانند ابیات ذیل که نوعی شهرآشوب است:

<p>نوندی نبینی بجز لورکند به نان‌باره هر جای هستند خرد یکی دیومردم، یکی دیو نیز (شرفنامه: ص ۵۳)</p>	<p>ز ری تا دهستان و خوارزم و جند بخاری و خزری و گیلی و کرد نخیزد ز مازندران جز دو چیز</p>
---	---

یا ابیات ذیل از خسرو و شیرین که بنوعی «طردیات»^۱ یا «شعر شکار» محسوب میشود:

<p>پیاپی هر زمان نخجیر میکرد بنه در یک شکارستان نمیمانند وز آنجا همچنان بر دشت زیرین (خسرو و شیرین: ص ۳۶۶)</p>	<p>به نخجیری دگر تدبیر میکرد شکارافکن شکارفکن همیکرد رکاب افشاند سوی قصر شیرین</p>
--	--

همچنین بیت ذیل که مرثیه نامیده میشود؛ بیت معروفی است که نظامی در رثای خاقانی سروده است.

<p>به دل بودم که خاقانی دریغاگوی من باشد (دیوان نظامی: ص ۴۴۸)</p>	<p>دریغا زان که من گشتم دریغاگوی خاقانی</p>
---	---

ابیات ذیل نیز از گونه ادبی معراج‌نامه بشمار میروند.

<p>ستامش چو خورشید در نور غرق ادیم یمن رنگ ازو یافته رونده چو لؤلؤ بر ابریشمی</p>	<p>براقی شتابنده زیرش چو برق سهیلی بر اوج عرب تافته بریشم دمی بلکه لؤلؤ سمی</p>
---	---

^۱ این نوع ادبی «به اشعاری گفته میشود که درباره صید و صحنه‌های شکار و حیوانات شکاری باشد» (انواع شعر فارسی، رستگار فسایی: ص ۲۸۵).

نه آهو ولی نـافش از مشک پر چو دندان آهو برآمده در
از آن خوش‌عناتر که آید گمان وز آن تیزوتر که تیر از کمان
(شرفنامه: ص ۱۸)

از دیگر گونه‌های شعر در آثار نظامی میتوان به مناظره، نامه‌نگاری، وصف، تهنیت، و طنز اشاره کرد.

ادبیات حماسی و آثار نظامی

حماسه (Epic) یکی از انواع ادبی است که در لغت به معنی «شجاعت و دلاوری است و در اصطلاح، شعر بلند و روایتی را گویند که بر محور موضوعی جدی و رزمی به سبکی فخیم سروده شده باشد» (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۲۰۵). برخلاف انواع دیگر شعر مانند شعر غنایی و تعلیمی که مبتنی بر عواطف و احساسات شخصی شاعر است، در منظومه‌های حماسی «شاعر هیچگاه عواطف شخصی خویش را در اصل داستان وارد نمیکند و آن را به پیروی از امیال خویش تغییر نمیدهد و به شکلی تازه، چنان که خود بپسندد یا معاصران او بخواهند در نمی‌آورد» (حماسه‌سرایی در ایران، صفا: ص ۲۵). اسکندرنامه حاصل طبع‌آزمایی نظامی در حماسه‌سرایی است. سالهای آخر زندگی او صرف سرودن این اثر شد و آخرین تجدید نظر نظامی در مورد این اثر در سال ۵۹۹ صورت گرفته است. این اثر داستان زندگی اسکندر پسر فیلقوس یونانی است که فردوسی آن را ناگفته گذاشته بود؛ بنابر این نظامی خواسته است آن را تکمیل کند. همچنین هفت پیکر آمیزه‌ای از جنبه‌های حماسی و غنایی است؛ بدین معنی که بخش هفت گنبد تماماً دارای روح غنایی و تخیل رمانتیک است، ولی بخش تاریخی، اگرچه سعی شاعر بر ترسیم چهره‌ای حماسی برای بهرام بوده، آمیزه‌ای از جنبه‌های حماسی و عناصر غنایی است.

ظاهراً گرایش به حماسه‌های ملی و نظم روایات باستانی ایران بتدریج از قرن ششم هجری از میان می‌رود؛ ولی عظمت کاخ بلندپایه‌ای را که فردوسی از نظم بنیان گذارده، بسیار ارزشمند است که نه تنها از باد و باران و طوفانهای روزگاران آسیبی نمی‌بیند؛ بلکه موجب برانگیختن و تشویق گروهی از صاحبان ذوق میشود که به تقلید وی منظومه‌هایی را درباره حماسه‌های تاریخی و دینی به سلک نظم درآوردند. نظامی یکی از این افراد است که حماسه تاریخی اسکندرنامه را سرود. و این امر در اوضاع و شرایطی رقم خورد که در دوره سلجوقیان شاهنامه‌ستیزی به قوت خود ادامه داشت. بنابراین میتوان علاقه نظامی به این جریان را از گرایشهای او به تاریخ و فرهنگ ایران باستان دانست که در اثری چون خسرو و شیرین نیز خود را نشان میدهد.

نتیجه‌گیری

اگر انواع ادبی غنایی-تعلیمی، حماسی-تعلیمی، و تعلیمی-تعلیمی را از زیرمجموعه‌های ادبیات تعلیمی بدانیم، پنج گنج نظامی را میتوان از نمونه‌های موفق نوع ادبی تعلیمی-غنایی، و تعلیمی-حماسی دانست. باوجوداین مخزن/الاسرار را میتوان تنها اثر نظامی دانست که بیش از سایر آثار او، با ادبیات تعلیمی ارتباط تنگاتنگ دارد. وجود زیرمجموعه‌های متعدد انواع ادبی در آثار نظامی نشانه وسعت دید و اندیشه او و همچنین قدرت شاعری اوست. نیز وجود گونه‌هایی مانند تقاضا و اعتذاریات در شعر نظامی بیانگر آن است که هرچند وی از بیرسمیهای زمانه خود رنج برد و از جنگاوران بیابانگرد به علت ایجاد نظام آشفته در اجتماعش نفرت داشت، با برخی از پادشاهان و فرمانروایان آن عصر ارتباط داشت و در ضمن اشعار مدح‌گونه خود، به شکایت از بیتوجهی پادشاه روی آورده و گاه با ذکر خدمتهای گذشته، درخواستهایش را ابراز نموده است. همچنین تفاوت ساقینامه نظامی با آثار

پیشین در آن است که وی علاوه بر حاکم کردن روح عرفانی، فلسفی و اخلاقی در مضامین ساقینامه‌های خود، واژگان، مضامین و ترکیبات را در آنها به معنای کنایی و رمزی بکار برده است و این موضوع ارتباط مستقیم با زمانه او دارد؛ زمانه‌ای که عرفان و تصوف در شعر آن طلوع کرده و اشعاری چون ساقینامه را نیز دارای رنگ‌وبوی عرفانی ساخته است.

درباره اشعار مدحی نظامی باید گفت مطالعه عصر سلجوقی نشان میدهد که پادشاهان بسیاری از آداب‌ورسوم و معیارهای گذشتگان را زیر پا گذاشتند. همین امر سبب شد که شاعران هر کس را نوعی با مبالغه و گزافه‌گویی ستودند؛ بنابراین باید این مبالغه‌گوییها را از نتایج سیر تکاملی ادبیات درباری دانست. اما مدایح نظامی، مدایحی هستند که شاعر بدون آنکه در طلب روزی، سر بر آستان پادشاه یا فرمانروایی بساید، در بزرگداشت آنان سروده است و از این مبالغات تا حد زیادی به‌دور است.

همچنین در قرن ششم، نزدیکی سلجوقیان به خلفای بغداد به جهت تحکیم پایه‌های حکومت خود و توجه به زبان عربی و نفوذ آن در زبان فارسی بویژه در شاخه آذربایجانی و ارتباط فرهنگی بیشتر، سبب شد مفاخره با محتوای آنچه در اشعار عرب رواج داشت از جمله خودستایی، افتخار به شهرت و ... در شعر شاعران ایران‌زمین نیز راه یابد. حکیم نظامی در پهنه شعر و ادب فارسی یکی از استادان مسلم زبان و ادبیات فارسی شناخته میشود. تأثیرپذیری این شاعر از محیط، مناظر دل‌انگیز طبیعت، تصویر احوال و اشخاص، قدرتی است که وی با تکیه بر نبوغ خدادادی، نیروی ذاتی، ذهن خلاق، نیروی اندیشه باریک و نازک‌خیالی خود توانسته آنها را به شاهکار ادبی و اثری جاویدان تبدیل نماید. با این اوصاف اگر در آثار نظامی مباحثات به سخنوری دیده میشود، جای شگفتی نیست.

همچنین در قرن ششم با وجود حاکمیت سلجوقیان بر کشور، شرایط ایده‌آلی بر جامعه حاکم نبوده است. انقلاب حال، آشفتگیهای اوضاع و بیثباتی احوال به جهت انتقال قدرت از غزنویان به سلجوقیان، موجب روی آوردن مردم به فساد، تباهاکاری و ... شده بود. همچنین جنگهای طولانی برای بدست آوردن متصرفات بیشتر توسط ترکان سلجوقی و نادانی مردم، باعث دور شدن شاعران از مدینه فاضله و دنیایی آرمانی شد که در ذهن خود پرورانده بودند. از این رو موارد بسیاری از شکواییه را در آثار نظامی میتوان یافت.

نتیجه حاصل از این پژوهش آن است که علاوه بر انواع ادبی اصلی، زیرمجموعه‌های آن نیز در آثار این شاعر با وسعت و تنوع بسیاری بکار رفته است که مهمترین آنها عبارتند از: اعتذاریات، تقاضا و درخواست، ساقینامه، شکواییه، شهرآشوب، طردیات، مدح، مرثیه، معراج‌نامه، مفاخره و بسیاری موارد دیگر که پرداختن به آنها در این جستار نمیگنجد. درباره گونه‌های یادشده در آثار نظامی یادکردنی است که:

۱- انواع ادبی در آثار این شاعر، بسامد یکسانی ندارند که امری طبیعی است؛ زیرا شاعر در کاربرد هر گونه ادبی متأثر از فضای حاکم بر اشعار خود، سنتهای معمول یا شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود بوده است. ۲- از لحاظ کمی، میزان بسامد هر یک از گونه‌های ادبی در آثار نظامی با موضوع هر اثر ارتباط دارد. از این رو در مخزن‌الاسرار که اثری حکمی، اخلاقی و زهدآمیز است گونه‌های ادبیات تعلیمی از بسامد بیشتری نسبت به سایر آثار برخوردار است و زیرمجموعه‌های ادبیات غنایی در دو اثر *لیلی* و *مجنون و خسرو و شیرین* با بسامد بیشتر بچشم میخورد.

۳- از میان گونه‌های ادبیات غنایی گونه‌های ساقینامه و شکواییه بسامد بیشتری نسبت به سایر انواع ادبی دارند. در ساقینامه‌ها با حاکم کردن روح عرفانی، فلسفی و اخلاقی بر آنها فرصتی ایجاد نموده تا از دغدغه‌های درونی خود در ارتباط با جهان هستی سخن بگویند. و با استفاده از گونه شکواییه که آن را با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی

و فرهنگی حاکم بر روزگار خود سروده است، بعنوان وجدان بیدار اجتماع و در مقام مصلح اجتماعی، نارضایتی خود و مردم زمانه‌اش را از ظلم و ستم درباریان در روزگاری که دوره اعتساف نامیده شده، بیان کرده است. این عوامل را میتوان سبب توجه بیشتر شاعر به گونه‌های یادشده بشمار آورد.

۴- گونه‌های ادبی بکاررفته در آثار شاعر به یک قالب ویژه شعری منحصر نشده‌اند. شاعر در بیان گونه‌های ادبی از انواع قالبهای شعری مانند قصیده، غزل، مثنوی و ... استفاده کرده است.

۵- مطالعه آثار نظامی بیانگر آن است که این شاعر با اخلاق و سخن‌سنج در انتخاب الفاظ، اصول اخلاقی را رعایت کرده است. با آنکه شاعر گاه با خلف وعده پادشاهان در دریافت صلح مواجه یا از حاسدان زمانه خود خشمگین شده است، هیچ گاه زبان به دشنام نیالوده است. از این رو در تمام آثار او گونه‌هایی مانند هجو و هزل دیده نمیشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان استخراج شده است. آقای دکتر عنایت الله شریف پور راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم پروانه صفا به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم جعفری نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abrams, M.H. and Harpham, Geoffrey Galt. (۲۰۰۹). A Glossary of Literary Terms. Boston: Wadsworth Cengage Learning.
- Brown, Edward. (۱۹۷۹). Literary history of Iran. Translated by Hassan Anousheh. Tehran: Amirkabir, p.۵۵۴.
- Dad, Sima. (۲۰۱۱). Dictionary of Literary Terms. Tehran: Morvarid, p.۵۸, ۲۰۵.
- Golchin Ma'ani, Ahmad. (۱۹۸۰). Note the measure. Mashhad: University of Mashhad, p.۲.
- Heidari Nouri, Reza and Khatami, Ahmad. (۲۰۱۲). The course of military intellectual evolution in Saqinameh. *Journal of Epic Literature*, (۱۳) ۸, pp.۲۰۶-۲۳۹.
- Homayi, Jalaluddin. (۱۹۹۱). Rhetoric and literary crafts. Tehran: Homa, p.۱۲۶.
- Mo'taman, Zeynolabedin. (۱۹۴۳). Persian poetry and literature. Tehran: Tabesh.

- Nezami, Eliasson Ibn Yusuf. (۱۹۸۳). Poetry Divan. Corrected by Sa'eed Nafisi. Tehran: Foroughi.
- Nezami, Eliasson Ibn Yusuf. (۲۰۰۲). Sharafname. By the efforts of Sa'eed Hamidian. Tehran: Qatre.
- Nezami, Eliasson Ibn Yusuf. (۲۰۱۲). Seven figures. Correction by Behrooz Servatian. Tehran: Amirkabir.
- Nezami, Eliasson Ibn Yusuf. (۲۰۱۳). Iqbalnameh. By the efforts of Sa'eed Hamidian. Tehran: Qatre.
- Nezami, Eliasson Ibn Yusuf. (۲۰۱۳). Khosrow and Shirin, Correction by Behrooz Servatian. Tehran: Amirkabir.
- Nezami, Eliasson Ibn Yusuf. (۲۰۱۵). Leyli & Majnoon. Correction by Behrooz Servatian. Tehran: Amirkabir.
- Pournamdarian, Taghi. (۲۰۰۷). Literary Types in Persian Poetry, Faculty of Literature and Humanities, *Qom University*, ۱ (۳), pp. ۷-۲۲.
- Rastegar Fasa'ei, Mansour. (۲۰۰۱). Types of Persian poetry. Shiraz: Navid Shiraz, p. ۲۸۵.
- Razmjoo, Hussein. (۲۰۱۱). Literary types and their works in Persian language. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, p. ۸۶.
- Safa, Zabiholla. (۲۰۰۱). History of Literature in Iran. Volume ۲. Tehran: Ferdows, p. ۷۱, ۱۲۰.
- Safa, Zabiholla. (۲۰۰۴). Epic in Iran. Tehran: Ferdows, p. ۱۲۵.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۱۹۹۳). Types of Persian literature and poetry, *The growth of Persian literature education*, ۸ (۳۲), pp. ۹۶-۱۱۹.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۹). Stylistics of poetry. Tehran: Mitra, p. ۱۶۵.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۵). Literary types. Tehran: Mitra, p. ۱۲۷, ۲۴۹.
- Vazinpur, Nader. (۱۹۹۵). Praise, hot stigma on the face of Persian literature. Tehran: Moein, p. ۲۸۲.
- Yalmeha, Ahmad Reza. (۲۰۱۶). Study of the Origin of Poetic Educational Literature and its Evolution in Iran, *Journal of Educational Literature*, ۸ (۲۹), pp. ۶۱-۹۰.
- Zarrinkub, Abdulhossein. (۱۹۹۸). Pir Ganjeh in search of nowhere. Tehran: Sokhan, p. ۱۲۶.

فهرست منابع فارسی

- اقبالنامه، نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۲). به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- انواع ادبی در شعر فارسی، پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶) دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، (۳) ۱، صص ۷-۲۲.
- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو، حسین. (۱۳۹۰). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- انواع ادبی و شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) رشد آموزش ادب فارسی، (۳۲) ۸، صص ۹۶-۱۱۹.
- انواع ادبی، شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). تهران: میترا.
- انواع شعر فارسی، رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). شیراز: نوید شیراز.
- بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران، یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۵) پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، (۲۹) ۸، صص ۶۱-۹۰.
- پیر گنج در جستجوی ناکجاآباد، زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). تهران: سخن.
- تاریخ ادبی ایران، براون، ادوارد. (۱۳۵۸). ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۰). جلد ۲. تهران: فردوس.
- تذکره پیمانه، گلچین معانی، احمد. (۱۳۵۹). مشهد: دانشگاه مشهد.
- حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۳). تهران: فردوس.

- خسرو و شیرین، نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۲). تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.
- دیوان قصاید و غزلیات، نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۶۲). تصحیح سعید نفیسی. تهران: فروغی.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). تهران: میترا.
- سیر تحول فکری نظامی در ساقینامه، حیدری نوری، رضا و خاتمی، احمد. (۱۳۹۱). پژوهشنامه ادب حماسی، (۱۳)، ۸، صص ۲۳۹-۲۰۶.
- شرفنامه، نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۱). به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره
- شعر و ادب فارسی، مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۲۲). تهران: تابش.
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما. (۱۳۹۰). تهران: مروارید.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). تهران: هما.
- لیلی و مجنون، نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۴). تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.
- مدح، داغ‌ننگ بر سیمای ادب فارسی، وزین‌پور، نادر. (۱۳۷۴). تهران: معین.
- هفت پیکر، نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۱). تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.

معرفی نویسندگان

پروانه صفا: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

(Email: Parvanesafa@yahoo.com)

عنایت‌الله شریف‌پور: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران و گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

(Email: e.sharifpour@uk.ac.ir) (نویسنده مسئول)

مریم جعفری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

(Email: M.jafari7800@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Parvaneh Safa: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.

(Email: Parvanesafa@yahoo.com)

Enayatollah Sharifpour: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran, and Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

(Email: e.sharifpour@uk.ac.ir : Responsible author)

Maryam Jafari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.

(Email: M.jafari7800@yahoo.com)